

رابطه تنبیه بدنی پسران و میزان عزت نفس و پرخاشگری آنها

مطهره آخرتی شورابی^۱، سارا قابل^۲، دکتر جعفر طالبیان شریف^۳

^۱ فوق لیسانس روان شناسی بالینی دانشگاه آزاد سمنان (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی فوق لیسانس مشاوره خانواده دانشگاه حکمت رضوی مشهد

^۳ استاد تمام گروه آموزشی روان شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

هیأت مؤسس و رئیس دانشگاه حکمت رضوی مشهد

motahareakherati@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر تنبیه بدنی پسران بر میزان عزت نفس و پرخاشگری آنها انجام شد. پژوهش انجام شده، به لحاظ هدف بنیادی، به لحاظ ماهیت همبستگی و از نظر زمان مقطعی بود. فرضیه اصلی تحقیق عبارت بود از: بین عزت نفس و پرخاشگری رابطه معناداری وجود دارد. به منظور آزمودن این فرضیه، از بین دانش آموزان مقطع دوم و سوم هنرستان، ۱۲۴ نفر از دانش آموزان پسر به صورت غیر تصادفی در دسترس انتخاب شدند. اطلاعات مربوطه از طریق پرسشنامه عزت نفس (کوپر اسمیت)، پرسشنامه پرخاشگری (باس و پری) و همچنین پرسشنامه محقق ساخته (تنبیه بدنی) جمع آوری گردید. داده های به دست آمده از پاسخ های داده شده به پرسشنامه ها، کد گذاری و تصحیح شده و با استفاده از نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از انجام تحلیل آماری مشخص گردید که بین عزت نفس و پرخاشگری پسران رابطه منفی معناداری (۰/۳۹۵-) وجود دارد.

واژه های کلیدی: تنبیه بدنی، عزت نفس، پرخاشگری

مقدمه

خشن ترین و نامطلوب ترین روش تغییر رفتار تنبیه^۱ است. ارائه یک محرک آزارنده بعد از یک رفتار نامطلوب به منظور کاهش دادن آن رفتار تنبیه نام دارد (سیف، ۱۳۹۵).

تنبیه در لغت، مصدر متعدی است از واژگان عربی به معنای بیدار کردن و هوشیار ساختن. همچنین برای تنبیه در فرهنگ های لغت معانی گوناگونی از قبیل آگاه نمودن، بیدار کردن، واقف کردن، تأدیب و کیفر، جزا و مجازات ذکر گردیده است. در اصطلاح تربیت و به ویژه از دید روان شناسان تعاریف مختلفی برای تنبیه ارائه گردیده که از نظر محتوا، قرین همدیگرند. به عنوان نمونه یکی از این تعاریف بیان می دارد که تنبیه: ارائه یک محرک آزار دهنده از سوی تنبیه کننده برای کاهش و یا قطع انجام رفتاری نامطلوب می باشد. در واقع طبق این تعریف می توان تنبیه را به دو نوع مادی و روانی تقسیم نمود. هر چند گفته شده تنبیه مادی هم خود به دو قسم است که یکی شامل نادیده گرفتن خواسته های کودک است و دیگری تنبیه بدنی می باشد (نیکنای و همکاران، ۱۳۹۰).

اسکینر معتقد است که تنبیه زمانی رخ می دهد که پاسخ چیز مثبتی را از موقعیت حذف می کند یا چیزی منفی به آن می افزاید. در واقع، تنبیه دور ساختن چیزی از ارگانیسم (موجود زنده) است که خواستار آن است یا دادن چیزی است به کسی طالب آن نیست. تنبیه به این معنا را به عنوان تنبیه به معنای عام می گوئیم.

ارائه پاسخ منفی به ارگانیسم. تنبیه عبارت از: ارائه یک محرک آزارنده (تقویت کننده منفی) به دنبال یک رفتار نامطلوب برای کاهش دادن احتمال آن رفتار. اگر پس از انجام رفتاری نامطلوب از سوی کودک، مثلاً گفتن حرف زشت، با ارائه یک محرک آزارنده مثل سیلی زدن به او بخواهیم بروز رفتار نامطلوب را در او کاهش دهیم، او را تنبیه کرده ایم. تنبیه به این معنا را تنبیه به معنای خاص می گوئیم.

تنبیه بدنی یا کتک زدن. گاهی مراد از تنبیه به همین معناست که ما آن را تنبیه به معنای اخص می گوئیم. روشن است که طبق معنای اول، تنبیه طیف وسیعی را در بر می گیرد که عبارت است از: تغافل، بی اعتنائی، تهدید، تحقیر، سرزنش، تمسخر، محروم سازی، جریمه، جبران، تغییر چهره، روی برگرداندن و تنبیه بدنی. اما بر طبق معنای دوم، تنبیه دیگر شامل تغافل، بی اعتنائی، محروم سازی و به عبارت دیگر، حذف تقویت مثبت نمی شود. آنچه از میان این معنایی سه گانه مورد تردید و بحث واقع شده است، قسم سوم یا تنبیه به معنای اخص است (تمنائی فر و همکاران، ۱۳۹۰).

در بعضی متون روانشناسی یادگیری (از جمله آدامل، ریو، و اسمیت، ۲۰۰۷، کلاین، ۲۰۰۹)، از تنبیه مثبت و تنبیه منفی یاد شده است. تنبیه مثبت یعنی ارائه محرک آزارنده یا همان تقویت کننده منفی به ارگانیسم، و تنبیه منفی یعنی جلوگیری از ارگانیسم برای دسترسی یافتن به تقویت کننده مثبت (سیف، ۱۳۹۵).

تنبیه می تواند به سرعت رفتار ناخوشایند را متوقف کند. به همین دلیل، ممکن است در مواقع اضطراری، مثل زمانی که کودک سعی می کند به طرف خیابان بدود، موجه باشد. اما بسیاری از نظریه پردازان معتقدند که تنبیه معمولاً نامطلوب است، مخصوصاً برای بزرگ کردن بچه ها. برای مثال، تنبیه به خودی خود رفتار جایگزین قابل قبولی را توصیه نمی کند. در ضمن، تنبیه فقط تحت شرایطی که ارایه آن تضمین شده باشد رفتار ناخوشایند را متوقف می کند. علاوه بر این، ممکن است از تنبیه به عنوان روشی برای حل کردن مشکلات یا کنار آمدن با استرس تقلید شود (سید محمدی، ۱۳۹۲).

نتیجه آزمایشهای گوناگون نشان داده اند که از راه تنبیه همیشه گرایش به پاسخ دادن کاهش نمی یابد. از طریق پاداش ممکن است رفتار به صورت ثابت و پایدار باقی بماند، اما خلاف آن همواره صدق نمی کند. یعنی به وسیله تنبیه به طور مطمئن نمی

^۱ Punishment

توان موجود را وادار به ترک رفتار کرد. تقویت در ایجاد رفتار مطلوب مؤثر است، اما تنبیه سرانجام ممکن است، هم برای تنبیه شونده و هم برای تنبیه کننده، عواقب شوم و زیان باری به بار آورد. نتایج تنبیه قابل پیش بینی و اعتبار نیستند (پارسا، ۱۳۹۲).

یک حق اساسی انسانی همه کودکان، محافظت در برابر تنبیه بدنی^۲ در کلیه زمینه ها می باشد. با این وجود، تنبیه بدنی در خانواده ها، خانه، مدرسه، و جاهای دیگر، رایج باقی مانده است (Watakakosol et al 2019).

تنبیه بدنی به منظور کنترل، راهنمایی یا تصحیح رفتار کودکان در فرهنگ های مختلف وجود دارد. تنبیه بدنی یک نوع کودک آزاری و خشونت در خانواده است که موجب نقض حقوق کودک می شود و دارای اثرات سوء کوتاه مدت و بلند مدت بر روح و جسم کودک می باشد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰).

تنبیه بدنی به استفاده عمدی از درد جسمی، به عنوان روش تغییر رفتار اشاره دارد. شامل تنوع گسترده ای از روش ها قبیل، ضربه زدن، سیلی زدن، مشت زدن، لگد زدن، فشار دادن، لرزاندن، خفه کردن، استفاده از اشیاء مختلف (چوب پهن^۳، کمربندها، چوب ها، سنجاق ها، یا موارد دیگر)، طرز ایستادن رنج آور بدن، استفاده از شوک الکتریکی، استفاده فراوان از تمرین های ورزشی، یا جلوگیری از دفع ادرار یا مدفوع می شود (Greydanus et al, 1992).

تنبیه بدنی احتمالاً بحث برانگیز ترین موضوع در مطبوعات، راجع به تأدیب کردن وابسته به پدر و مادر است. در دهه های اخیر، به دلیل شیوع بالای تنبیه بدنی و عواقب منفی آن، توجه ویژه ای به تنبیه بدنی کودکان وجود داشته است. تنبیه بدنی به عنوان استفاده از نیروی بدنی، با هدف ایجاد تجربه درد در کودک، اما نه آسیب دیدگی، به منظور اصلاح یا کنترل رفتار کودک تعریف می شود. نمونه هایی از تنبیه بدنی شامل در کونی زدن، سیلی زدن، کتک زدن، یا چنگ زدن کودک است. در مقایسه با سوء استفاده جسمی، تنبیه بدنی خطر کمتری در ایجاد صدمه یا آسیب جسمی دارد. با وجود فراوانی بالا و پذیرفتگی تنبیه بدنی، مشاجرات درباره اثر بخشی تنبیه بدنی هنوز هم وجود دارد و نگرانی های زیادی در مورد اثرات مضر آن مطرح شده است. تعدادی از مطالعات، بین تنبیه بدنی و گرایش های ضد اجتماعی و جنایی رابطه پیدا کرده اند (Gamez-Guadix et al, 2010).

از لحاظ اجتماعی، استفاده از تنبیه بدنی توسط بسیاری از مراقبین در ایالات متحده قابل قبول تلقی می شود. در یک نظر سنجی ملی اخیر (child trends, 2018)، ۷۶٪ از مردان و ۶۶٪ از زنان، در بین سنین ۱۸ و ۶۵ سال، توافق کرده اند که گاهی اوقات کودکان باید تنبیه^۴ بشوند. این درصدها در میان گروه های نژادی و قومی متفاوت بوده است. در میان بزرگسالان آفریقایی آمریکایی، ۸۱٪ از زنان و ۸۰٪ از مردان از تنبیه بدنی حمایت کردند. در میان بزرگسالان اسپانیایی، ۶۲٪ از زنان و ۷۳٪ از مردان از تنبیه بدنی حمایت کردند. برای بزرگسالان سفید پوست، درصد ها عبارت بودند از ۶۲٪ از زنان و ۷۶٪ از مردان. در همه موارد، اکثریت بزرگسالانی را تشکیل می دادند که تنبیه بدنی^۵ را تأیید می کردند.

درک عوامل خطری که مراقبان را مستعد استفاده از تنبیه بدنی می کند، می تواند در ارزیابی خطر تنبیه بدنی به شاغلین پرستاری کودکان^۶ کمک کند. بزرگسالانی که تنبیه بدنی را هنگامی که کودک بوده اند تجربه کرده اند، به عنوان والدین، به

^۲Corporal Punishment (CP)

^۳wooden paddles

^۴spanked

^۵spanking

^۶Pediatric nurse practitioners (PNPs)

احتمال بیش تری نگرش مطلوبی درباره تنبیه بدنی ابراز می کنند، به ویژه اگر احساس کنند که تنبیه بدنی خودشان، از آنها محافظت کرده است. استفاده از تنبیه بدنی همچنین تحت تأثیر استرس و افسردگی مراقبان قرار دارد. اعتقادات سیاسی و مذهبی محافظه کارانه با حمایت از تنبیه بدنی مرتبط است. همچنین افراد با پیشرفت تحصیلی کم تر، تمایل به حمایت از استفاده تنبیه بدنی دارند (Horner et al, 2019).

تحقیقات در ایران نشان می دهد که خانواده ها عموماً بر این باورند که استفاده از تنبیه بدنی در تربیت کودکان، برخی اوقات ضروری است. نگرش والدین نسبت به تنبیه بدنی، تابعی از ارزش ها و معیار های فرهنگی است. از آنجا که تحقیقات حکایت از این دارند که نگرش مثبت والدین نسبت به تنبیه بدنی، پیش بینی کننده استفاده آنها از تنبیه بدنی در برابر فرزندان شان هست، بررسی نحوه تأثیر گذاری فرهنگ بر نگرش های والدین حائز اهمیت است. روشن است که تحقیر کودکان، ایدئولوژی محافظه کارانه، مذهب و قومیت نقش مهمی در تعریف چیستی بد رفتاری با کودک ایفا می نماید. برای مثال، در فرهنگ هایی همچون جامائیکا، تأدیب و تربیت تند و خشونت بار کودکان، هنجار محسوب می شود.

ادبیات علمی موجود مؤید اثرات دراز مدت و زیان بار تنبیه بدنی در کودکان است؛ ولو در حد اعتدال باشد. یافته های فراوان حکایت از این دارند که جوانان و کودکانی که مورد تنبیه بدنی قرار می گیرند، گرایش فزاینده ای به طیف وسیعی از مسائل انضباطی و تربیتی همچون روابط ضعیف فرزندان و والدین، افکار خسارت بار، پر خشگری، رفتار های ضد اجتماعی و جنایت های خشن نشان می دهند. فارینگتون ضمن مرور مطالعات طولی، به این نتیجه رسید که پر خاشگری والدین و تنبیه تند و خشن، قویترین پیش بینی کننده جنایات خشن در بین کودکان ۱۰ ساله بوده است (حسنی و همکاران، ۱۳۹۰).

تنبیه بدنی یکی از روش های منفی و اشتباهی است که متأسفانه در خانه توسط والدین و دیگر اعضاء خانواده و همچنین در مدرسه توسط معلمان و کادر مدرسه به دلیل ندانستن اثرات سوء و زیان بار این روش، عدم آگاهی از روش های صحیح تربیتی، سهل انگاری، عدم توجه و نظارت کافی آموزش و پرورش بر شیوه های تربیتی به کار گرفته در مدارس، به کار گرفته می گردد. در نتیجه، آثار و نتایج زیان باری را که با گذشت زمان امکان ادامه پیدا کردن و تأثیر بر زندگی بزرگسالی کودکان و نوجوانان را دارد، بر جای میگذارد.

طبق گفته مقصدادی (۱۳۸۷-۱۳۸۶)، بیشترین تعدی و خشونت علیه کودکان در قالب تنبیه بدنی صورت می گیرد، و در ادامه بیان می کند: تحقیقات انجام شده در کشورهای مختلف، آمار بالایی از تنبیه بدنی خشونت بار و تحقیر آمیز را به ویژه در محیط خانه و مدرسه نشان می دهد. به عنوان نمونه، پژوهشی میان دانشجویان هندی در سال ۱۹۹۱ میلادی ثابت کرد که ۹۱ درصد مردان و ۸۶ درصد زنان در دوران کودکی تنبیه بدنی شده اند و بررسی دیگری در کشور رومانی در سال ۱۹۹۲ نشان داد که ۸۶ درصد پدران و مادران کتک زدن را یک شیوه تربیتی می دانند. یک تحقیق دولتی در انگلستان که در سال ۱۹۹۵ انجام شد نیز نشان می دهد که از هر شش کودک، دست کم یک نفر تنبیه بدنی شدید شده و ۹۱ درصد آنان کتک خورده اند. همچنین در تحقیقی که به منظور بررسی بد رفتاری جسمی در مورد دانش آموزان منطقه ۳ و ۲۰ تهران در سال ۱۳۷۶ انجام شد، مشخص گردید که ۵۹/۷ درصد از دانش آموزان منطقه ۳ و ۷۳ درصد از دانش آموزان منطقه ۲۰ سابقه تنبیه بدنی دارند.

عزت نفس^۴، سازه ای رایج و مهم در علوم اجتماعی و زندگی روزمره است. مفهوم عمومی عزت نفس آسان است. در بسیاری از فرهنگ لغت های با اعتبار، عزت نفس به عنوان توجه در برابر هر کس یا هر چیز، احترام در برابر خود یا در برابر دیگران، تعریف می شود. استاین^۵ و کتاب (۲۰۰۳)، عزت نفس را به عنوان توانایی درک جنبه ها و امکانات مثبت فرد و همچنین پذیرفتن جنبه های منفی، همراه با محدودیت هایی شخص دارد تعریف می کنند، پیشرفت در مسیر احساس خوبی که فرد در وجودش

^۴Self-esteem

^۵Stein

احساس می کند! در بیش تر موارد، عزت نفس یک ارزش انسانی شکننده و تغییر پذیر در نظر گرفته می شود، که هر زمان موفق می شویم به استاندارد های خود تحمیل شده یا آنهایی که به وسیله جامعه ای که به آن تعلق داریم تحمیل شده دست یابیم افزایش می یابد و زمانی که در دست یافتن به آن استاندارد ها شکست می خوریم کاهش می یابد (Paunescu et al, ۲۰۱۴).

برخورداری از عزت نفس یکی از ویژگی های شخصیت بهنجار است و شخصی که عزت نفس دارد خود را به گونه مثبتی ارزیابی نموده و برخورد مناسبی با خود و دیگران دارد. بنابراین نیاز به عزت نفس یا احترام به خود یکی از نیاز های روانشناختی در انسان است که ارضای درست و واقع بینانه ی آن منجر به پیامدهای مثبت و کارآمدی شده و از طرف دیگر عدم توجه به این نیاز منجر به احساس حقارت و درماندگی گردیده و باعث کاهش عملکرد فرد خواهد شد. با افزایش عزت نفس، احساس توانمندی در فرد به وجود می آید و تغییرات مثبتی همچون پیشرفت تحصیلی، افزایش تلاش برای کسب موفقیت، داشتن اعتماد به نفس بالا، بلند همت بودن و تمایل به داشتن سلامت بهتر در فرد پدیدار می شود. تری در پژوهشی نشان داد که افزایش عزت نفس برای پیشگیری از مشکلاتی که ممکن است بر اثر عزت نفس پایین بوجود آید ضروری است (فکوری و همکاران، ۱۳۹۴).

نتایج تحقیق غضنفری و ریاحی (۱۳۸۳) که با عنوان تأثیر تنبیه بر عزت نفس دانش آموزان انجام شده بود، نشان داد، بین تنبیه و عزت نفس رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. یعنی با افزایش تنبیه، میزان عزت نفس کاهش می یابد و با کاهش تنبیه، میزان عزت نفس بالا می رود و جنسیت در این رابطه دخیل نیست. بدین معنی که میزان عزت نفس نوجوانانی که تنبیه می شوند، در مقایسه با نوجوانانی که تنبیه نمی شوند، به صورت معنا داری کاهش می یابد. همچنین، عزت نفس هم در دختران و هم در پسران بر اثر تنبیه کاهش می یابد و جنسیت تأثیری بر رابطه تنبیه و عزت نفس ندارد.

پرخاشگری انسانی هیجانی است که به رغم طنین منفی آن، از لحاظ آماری نابهنجار نیست و بخش عمده آن نیز غیر قانونی به حساب نمی آید، چرا که جرایم خشونت آمیز تنها بخش کوچکی از این پدیده را تشکیل می دهند. بنابراین به نظر می رسد که برای درک رفتار خشونت آمیز فردی، باید جایگاه آن را در چهارچوب پرخاشگری به عنوان یک رفتار روزمره مشخص کرد. اما شاید بهتر باشد که قبل از ارائه تعریفی مناسب برای اصطلاح اخیر، دو ریخت متفاوت آن یعنی ((پرخاشگری خصمانه))^۱ و ((پرخاشگری ابزاری))^۲ از یکدیگر متمایز شوند.

برای نخستین بار فشباه (۱۹۶۴) این دو ریخت پرخاشگری را با در نظر گرفتن هدفها و فوایدی که برای فرد دارند، از یکدیگر متمایز کرد.

پرخاشگری خصمانه که شامل بسیاری از قتلها، تجاوزها یا دیگر جرایم خشونت آمیز است در پاسخ به شرایط خشم انگیز مانند شنیدن ناسزا، حمله های جسمانی یا شکستهای شخصی برانگیخته می شود. در چنین مواردی هدف پرخاشگر، آسیب رساندن به قربانی است. پرخاشگری خصمانه که با بروز حالت برپایی ناشی از برخی از محرکها و بخصوص محرکهای به یادآورنده حمله یا ناکامی مشخص می شود، سازمان یافتگی رفتاری را از هم می پاشد.

پرخاشگری ابزاری با رقابت و میل به دستیابی به برخی از اشیا یا منزلت فرد دیگر آغاز می شود و فرد پرخاشگر کوشش می کند تا به آنچه مورد تمایل اوست دست یابد. معمولاً در اینگونه موارد، قصد صدمه زدن به دیگری وجود ندارد، اما اگر کسی

^۱going on feeling good in one's skin

^۲Hostile aggression

^۳instrumental aggression

مانع در راه هدف فردی که قصد ارتکاب عمل را دارد ایجاد کند، خود را مجبور می بیند تا به او آسیب رساند یا آنکه از هدف خود صرف نظر نماید.

از دیدگاه برخی از مؤلفان (مانند مگارگی، ۱۹۸۲؛ سیان، ۱۹۸۵) پرخاشگری به معنای آزار رساندن به دیگران یا بهره برداری از آنهاست بدون آنکه الزاماً در برگیرنده آسیبهای جسمانی باشد.

برخی دیگر از متخصصان (هالین، ۱۹۹۶) پرخاشگری را عبارت از ایجاد ناراحتیهای روانشناختی و یا وارد کردن صدمات جسمانی به دیگری می دانند، که با قصد قبلی همراه است. اما از آنجا که آنچه به عنوان صدمه یا آسیب تعبیر می شود به ارزشها و قراردادهای اجتماعی وابسته است، تنبیه هایی که جنبه قانونی دارند و یا آسیبهایی که برای دفاع از خود به دیگری وارد می شوند، پرخاشگری به حساب نمی آیند. پس پرخاشگری عبارت از ایجاد صدماتی است که نه تنها از دید مشاهده کننده غیر قابل توجیه است بلکه فقط در چهارچوب اصول اخلاقی و قانونی یک جامعه مشخص، معنای خود را می یابد.

گروهی از روانشناسان اجتماعی (مانند میلگرام، ۱۹۷۷) نیز پرخاشگری را قصد آسیب رساندن جسمانی یا اجتماعی به فردی دیگر و یا تخریب یک شیء دانسته اند.

روانشناسان در حال حاضر، نیت و قصد را آشکارا در تعریف پرخاشگری می گنجانند و این اصطلاح را در مورد اعمالی به کار می برند که هدف آن صدمه زدن به فرد دیگر ((بدون رضایت)) اوست.

بر حسب این تعریف رفتار پرخاشگرانه می تواند به صورت آسیبهای جسمانی، کلمات اهانت آمیز یا کارشکنی فعل پذیرانه بروز کند و آثار آن به طیفی که از رنجش تا مرگ گسترده است، پوشش دهد (دادستان، ۱۳۸۹).

کوهستانی، ۱۳۷۶، تنبیه عامل آزار دهنده برای تغییر یا حذف رفتار به حساب می آید، اما نه تنها موجب حذف رفتار نامطلوب نمیشود، بلکه باعث یادگیری رفتارهای آزار دهنده و یا انتخاب این گونه اعمال به منظور های تلافی جویانه نیز می گردد. طبق نتایج به دست آمده توسط کوهستانی، بین تنبیه بدنی و پرخاشگری، رابطه مثبت وجود دارد.

طبق توضیحات بیان شده، برآن شدیم تا رابطه تنبیه بدنی دانش آموزان پسر را با میزان عزت نفس و پرخاشگری آنها، به امید این که در این راه قدم کوچکی برداشته باشیم، مورد مطالعه قرار دهیم، تا شاید به امید روزی که والدین و معلمان، از این روش اشتباه و غلط استفاده نکنند.

فرضیات پژوهش حاضر عبارتند از:

فرضیه اصلی:

بین عزت نفس و پرخاشگری رابطه معنا داری وجود دارد.

فرضیه های فرعی:

الف) عزت نفس گروهی که مورد تنبیه در خانه قرار گرفته اند، به طور معنا داری پایین تر از گروهی است که در خانه تنبیه نشده اند.

ب) عزت نفس گروهی که مورد تنبیه در مدرسه قرار گرفته اند، به طور معنا داری پایین تر از گروهی است که در مدرسه تنبیه نشده اند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف بنیادی، به لحاظ ماهیت همبستگی و از نظر زمان مقطعی (چون در سال ۱۳۹۵ صورت گرفته) بود. جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق، پسران در حال تحصیل مقطع دوم و سوم هنرستان استان خراسان رضوی، شهر مشهد بودند، که ۱۲۴ نفر از آنها به صورت غیر تصادفی در دسترس انتخاب گردیدند و به وسیله پرسش نامه عزت نفس (کوپر اسمیت) و پرسش نامه پرخاشگری (باس و پری) و همچنین پرسش نامه محقق ساخته (تنبیه بدنی) مورد آزمون قرار گرفتند. پس از جمع آوری پرسش نامه ها، اطلاعات به دست آمده مورد تصحیح و گدگذاری قرار گرفته و پس از آن، به منظور به دست آوردن اطلاعات نمونه و آزمون فرضیات تحقیق، به وسیله آمار توصیفی و آزمون همبستگی، از طریق نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزارهای اندازه گیری

پرسش نامه عزت نفس کوپر اسمیت: شامل ۵۸ ماده است که به صورت بلی، خیر به آن ها پاسخ داده می شوند. مواد هر یک از زیر مقیاس ها عبارتند از: مقیاس عمومی ۲۶ ماده، مقیاس اجتماعی ۸ ماده، مقیاس خانوادگی ۸ ماده، مقیاس تحصیلی- شغلی ۸ ماده و مقیاس دروغ ۸ ماده. نمرات زیر مقیاس ها و هم چنین نمره کلی، امکان تشخیص زمینه ای را که در آن افراد واجد تصویر مثبتی از خود هستند، فراهم می سازد. ضرایب بازآزمایی این پرسش نامه در دو نوبت، بعد از پنج هفته ۰/۸۸ و بعد از ۳ سال ۰/۷۰ گزارش شده است. پایایی پرسش نامه در پژوهش حاضر از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸ به دست آمد. روایی این پرسش نامه با استفاده از روایی سازه ۰/۷۲ به دست آمد (خالدیان، صالحی، شاکری، ۱۳۹۴).

پرسش نامه پرخاشگری باس و پری: پرسشنامه پرخاشگری باس و پری (۱۹۹۲) شامل ۲۹ سؤال می باشد که ۴ جزء از رفتارهای پرخاشگری از قبیل پرخاشگری فیزیکی و کلامی، خشم و خصومت را اندازه گیری می کند. باس و پری پرخاشگری را به عنوان یک ویژگی شخصیتی و مرکب از این چهار جزء می شناسند. آنها بیان می کنند که پرخاشگری فیزیکی و کلامی جزء رفتاری را معرفی می کند و خشم جزء هیجانی و عاطفی و خصومت بیان کننده جزء شناختی پرخاشگری می باشد. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه پرخاشگری حدود ۰/۸۹ و اعتبار بازآزمایی آن ۰/۸۰ بدست آمده است (شفیعی، صفاری نیا، ۱۳۹۰).

پرسش نامه محقق ساخته تنبیه بدنی: این پرسش نامه دارای هفت پرسش است که به منظور سنجش تنبیه بدنی دانش آموزان در خانواده (بله، خیر) و در صورت بله، میزان تنبیه بدنی (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) و همچنین مورد تنبیه بدنی قرار گرفتن آنها در مدرسه (بله، خیر) و در صورت بله، میزان تنبیه بدنی (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) مورد طراحی قرار گرفت. لازم به ذکر است که در این پرسشنامه، سن، پایه تحصیلی، معدل نیم سال آخر، به طور زمینه ای مورد پرسش قرار گرفتند.

یافته ها و جداول

جدول ۱، میزان تنبیه شدن دانش آموزان را در خانه نشان می دهد. همان طور که در جدول مشاهده می گردد، بیشترین فراوانی ۲ (عدم تنبیه) و کم ترین فراوانی ۱ (تنبیه) بوده است.

جدول ۱: تنبیه در خانه

تنبیه در خانه	فراوانی	درصد
۱) (تنبیه)	۴۴	۳۵,۵
۲) (عدم تنبیه)	۸۰	۶۴,۵
مجموع	۱۲۴	۱۰۰,۰

جدول ۲، شدت تنبیه شدن دانش آموزان را در خانه نشان می دهد. همان طور که در جدول مشاهده می گردد، بیشترین فراوانی ۵ (خیلی کم) و کم ترین فراوانی ۲ (زیاد) بوده است.

جدول ۲: شدت تنبیه در خانه

شدت تنبیه در خانه	فراوانی	درصد
۱) (خیلی زیاد)	۵	۴,۰
۲) (زیاد)	۴	۳,۲
۳) (متوسط)	۱۱	۸,۹
۴) (کم)	۸	۶,۵
۵) (خیلی کم)	۱۶	۱۲,۹
مجموع	۴۴	۳۵,۵
Missing system	۸۰	۶۴,۵
	۱۲۴	۱۰۰,۰

جدول ۳، تنبیه شدن دانش آموزان را در مدرسه نشان می دهد. همان طور که در جدول مشاهده می شود، بیشترین فراوانی ۱ (تنبیه) و کم ترین فراوانی ۲ (عدم تنبیه) بوده است.

جدول ۳: تنبیه در مدرسه

تنبیه در مدرسه	فراوانی	درصد
۱) (تنبیه)	۶۴	۵۱,۶
۲) (عدم تنبیه)	۶۰	۴۸,۴
مجموع	۱۲۴	۱۰۰,۰

جدول ۴، شدت تنبیه دانش آموزان را در مدرسه نشان می دهد. همان طور که در جدول مشاهده می گردد، بیشترین فراوانی ۵ (خیلی کم) بوده، و همچنین ۱ (خیلی زیاد)، ۲ (زیاد) و ۴ (کم)، در یک سطح فراوانی قرار داشته اند.

جدول ۴: شدت تنبیه در مدرسه

درصد	فراوانی	شدت تنبیه در مدرسه
۷,۳	۹	۱ (خیلی زیاد)
۷,۳	۹	۲ (زیاد)
۸,۹	۱۱	۳ (متوسط)
۷,۳	۹	۴ (کم)
۲۱,۰	۲۶	۵ (خیلی کم)
۵۱,۶	۶۴	مجموع
۴۸,۴	۶۰	Missing system
۱۰۰,۰	۱۲۴	

بررسی فرضیه ها

فرضیه اصلی: بین عزت نفس و پرخاشگری رابطه معناداری وجود دارد.

همان طور که در جدول ۵ مشاهده می گردد، بین عزت نفس و پرخاشگری رابطه همبستگی منفی و معناداری وجود دارد، به این معنا که هر چه عزت نفس بیشتر بشود، پرخاشگری پایین تر می آید. به عبارتی دیگر، افزایش عزت نفس، کاهش پرخاشگری و کاهش عزت نفس، افزایش پرخاشگری را به همراه دارد.

جدول ۵: بررسی فرضیه اصلی

عزت نفس	
پرخاشگری	***۰/۳۹۵-

فرضیه فرعی اول: عزت نفس گروهی که مورد تنبیه در خانه قرار گرفته اند، به طور معناداری پایین تر از گروهی است که در خانه تنبیه نشده اند.

همان طور که در جدول ۶ مشاهده می گردد، بین عزت نفس کسانی که مورد تنبیه در خانه قرار گرفته اند، با کسانی که مورد تنبیه در خانه قرار نگرفته اند، تفاوت معنا داری وجود دارد. به طوری که کسانی که تنبیه نشده اند، عزت نفس بالاتری دارند.

جدول ۶: بررسی فرضیه فرعی اول

عزت نفس	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنا داری
تنبیه خانگی				
تنبیه	۳۰/۴	۸/۵۷	-۲/۳۲	۰/۰۲
عدم تنبیه	۳۳/۶۷	۶/۸		

همان طور که در جدول ۷ مشاهده می گردد، بین پرخاشگری کسانی که مورد تنبیه در خانه قرار گرفته اند، با کسانی که مورد تنبیه در خانه قرار نگرفته اند، تفاوت معنا داری وجود ندارد.

جدول ۷: بررسی فرضیه فرعی اول

پر خاشگری	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنا داری
تنبیه خانگی				
تنبیه	۸۷/۴	۱۷/۴	۱/۸۶	۰،۰۶
عدم تنبیه	۸۲/۳	۱۲/۸		

به طور خلاصه، در تبیین نتایج جداول شماره ۶ و ۷ می توان گفت که تنبیه بدنی دانش آموزان در محیط خانه و خانواده، با کاهش عزت نفس آنها به همراه بوده است.

فرضیه فرعی دوم: عزت نفس گروهی که مورد تنبیه در مدرسه قرار گرفته اند، به طور معنا داری پایین تر از گروهی است که در مدرسه تنبیه نشده اند .

همان طور که در جدول ۸ مشاهده می گردد، بین عزت نفس کسانی که مورد تنبیه درمدرسه قرار گرفته اند، با کسانی که مورد تنبیه درمدرسه قرار نگرفته اند، تفاوت معنا داری وجود ندارد.

جدول ۸: بررسی فرضیه فرعی دوم

عزت نفس	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنا داری
تنبیه در مدرسه				
تنبیه	۳۱/۳۹	۷/۲۳	-۱/۷۱	۰،۰۸
عدم تنبیه	۳۳/۷۱	۷/۸۷		

همان طور که در جدول ۹ مشاهده می گردد، بین پرخاشگری کسانی که مورد تنبیه در مدرسه قرار گرفته اند، با کسانی که در مدرسه مورد تنبیه قرار نگرفته اند، تفاوت معنا داری وجود دارد. به طوری که کسانی که تنبیه نشده اند، پرخاشگری کمتری دارند.

جدول ۹: بررسی فرضیه فرعی دوم

سطح معنا داری	T	انحراف معیار	میانگین	پر خاشگری
				تنبیه در مدرسه
	۲/۹۱	۱۵/۶۵	۸۷/۷۶	تنبیه
۰,۰۴		۱۲/۸۲	۸۰/۲۳	عدم تنبیه

به طور خلاصه، در تبیین نتایج جداول شماره ۸ و ۹ می توان گفت که تنبیه بدنی دانش آموزان در محیط مدرسه، با افزایش پرخاشگری آنها به همراه بوده است.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج حاصله و بیان شده، و تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس فرضیه اصلی، می توان گفت که بین عزت نفس و پرخاشگری رابطه منفی معنا داری وجود دارد. به این معنا که با افزایش عزت نفس پرخاشگری کاهش و با کاهش عزت نفس پرخاشگری افزایش می یابد. نتیجه بیان شده و به دست آمده، همسو با نتایج تحقیقات (شب افروز و همکاران، ۱۳۹۶، احمدی و همکاران، ۱۳۹۴ و شفیع و صفاری نیا، ۱۳۹۰) می باشد. در ادامه، با توجه به نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس فرضیه های فرعی، می توان گفت که خانواده نقش مهم و کلیدی در ایجاد و شکل گیری عزت نفس افراد و همچنین مدرسه نیز نقش مهم و سرشاری در شکل گرفتن پرخاشگری افراد دارد. با توجه به نتایج بیان شده، افرادی که در خانه و توسط خانواده خود مورد تنبیه بدنی قرار گرفته بودند، از میزان عزت نفس کمتری برخوردار بودند. یافته های تحقیق (غضنفری و ریاحی، ۱۳۸۳) نیز، وجود رابطه معکوس بین تنبیه و عزت نفس را نشان داده است. همچنین، همان طور که در قسمت نتایج بیان شد، افرادی که در مدرسه و توسط کادر اجرایی مدارس مورد تنبیه بدنی قرار گرفته بودند، از میزان پرخاشگری بیشتری برخوردار بودند. قابل به ذکر است که نتایج تحقیق (کوهستانی، ۱۳۷۶) نیز نشان داده، بین تنبیه بدنی و پرخاشگری، رابطه مثبت وجود دارد. به طور خلاصه و پایانی می توان گفت که تنبیه بدنی بر میزان عزت نفس و پرخاشگری افراد اثر گذار است. به طوری که با افزایش تنبیه بدنی، میزان عزت نفس افراد کاهش و میزان پرخاشگری آنها افزایش می یابد. این نتایج، نشان بر مردود بودن و اثرات زیان بار، جبران نشدنی و ادامه دار این روش تربیتی بر روی افراد دارد. با توجه به نتایج حاصله و بیان شده از پژوهش، پیشنهاد می گردد که با برگزاری کارگاه ها و کلاس های آموزشی، برای کادر اجرایی و مسئولین تربیتی مدارس و همچنین خانواده های دانش آموزان، به منظور اطلاع رسانی نتایج حاصله از تحقیقات انجام شده در مورد تنبیه بدنی و اثرات سوء این روش تربیتی و در ادامه آن، آموزش روش های صحیح و جایگزین تربیتی و همچنین نظارت منظم بر مدارس و کادر اجرایی آن، به منظور عدم استفاده از تنبیه بدنی، می توان اجرای این روش تربیتی را کاهش و فرهنگ عدم استفاده از این روش و همچنین استفاده از روش های درست و صحیح تربیتی را افزایش داد.

منابع و مراجع

۱. سیف، علی اکبر. (۱۳۹۵). روانشناسی پرورشی نوین. تهران: دوران.
۲. نیکنامی، ندا، میر مهدی، سید رضا، نیکنامی، بنت الهدی. (۱۳۹۰). عوامل و ریشه های تنبیه بدنی کودکان در محیط خانه و خانواده و راهکارهای مقابله با آن. حقوق بشر، جلد ۶، شماره ۲، ۷۳-۸۸.
۳. تمنائی فر، محمدرضا، سلامی محمد آبادی، فاطمه، دشتبان زاده، سمیه. (۱۳۹۰). پیامدهای تنبیه بدنی کودکان توسط والدین در محیط خانه و خانواده. حقوق بشر، جلد ۶، شماره ۲، ۸۹-۹۸.
۴. نوید، جفری اس، راتوس، اسپنسر ا. (۱۳۹۲). بهداشت روانی. یحیی سید محمدی. تهران: ارسباران.
۵. پارسا، محمد. (۱۳۹۲). روانشناسی یادگیری بر بنیاد نظریه ها. تهران: سخن.
۶. حسنی، محمدرضا، عابدینی، عیسی، ابراهیمی، ابراهیم، کوهی، کمال. (۱۳۹۰). عوامل و ریشه های تنبیه بدنی کودکان: رویکردها و راهکارها. حقوق بشر، جلد ۶، شماره ۲، ۵۷-۷۲.
۷. مقدادی، محمد مهدی. (۱۳۸۶ و ۱۳۸۷). تنبیه بدنی کودک، تربیت یا خشونت. حقوق بشر، جلد ۲، شماره ۲ و جلد ۳، شماره ۱، ۹-۲۶.
۸. فکوری، الهام، پیله ورزاده، مطهره، شمسی، افضل، قادری، مصعب. (۱۳۹۴). ارتباط باورهای مذهبی با عزت نفس در دانشجویان. مجله علوم پزشکی زانکو، دوره ۱۶، شماره ۴۹، ۵۰-۶۰.
۹. غضنفری، احمد، ریاحی، حمیدرضا. (۱۳۸۳). تأثیر تنبیه بر عزت نفس دانش آموزان. دانش و پژوهش در علوم تربیتی. شماره ۳، ۱-۱۴.
۱۰. دادستان، پریخ. (۱۳۸۹). روانشناسی جنایی. تهران: سمت.
۱۱. کوهستانی، حسینعلی. (۱۳۷۶). رابطه تنبیه بدنی با پرخاشگری، افسردگی و افت تحصیلی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز)، دوره ۴۰، شماره ۴، ۱۵۳-۱۷۵.
۱۲. خالدیان، محمد، صالحی، اکبر، شاکری، رضا. (۱۳۹۴). تأثیر قصه های قرآن بر عزت نفس دانشجویان. اخلاق، سال ۵، شماره ۱۹، ۶۵-۸۲.
۱۳. شفیعی، حسن، صفاری نیا، مجید. (۱۳۹۰). خودشیفتگی، عزت نفس و ابعاد پرخاشگری در نوجوانان. فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال ۲، شماره ۶، ۱۲۱-۱۴۶.
۱۴. شب افروز، مریم، جنگی، سکینه، جوادی علمی، لیلا، افروز، غلامعلی، پسندیده، محمد مهدی. (۱۳۹۶). بررسی نقش عزت نفس پایین در ایجاد پرخاشگری نوجوانان. اولین کنفرانس بین المللی فرهنگ، آسیب شناسی روانی و تربیت، تهران.

۱۵. احمدی، سعید، امینی، فروتن، ذاکریان، علیرضا. (۱۳۹۴). رابطه عزت نفس با پرخاشگری دانش آموزان دختر راهنمایی. اولین همایش ملی علوم انسانی اسلامی، قم.

۱۶. Watakakosol, R. Suttiwan, P. Wongcharee, H. Kish, A. Newcombe, P. (2019). Parental discipline in Thailand: Corporal punishment use and associations with myths and psychological outcomes. *Child Abuse & Neglect* 88, 298-306.
۱۷. Greydanus, D. pratt, H. Greydannus, S. Hofmann, A. Tsegaye-Spates, R. (1992). Corporal Punishment in schools: A Position Paper of the Society for Adolescent Medicine. *Journal of Adolescent Health*, Vol. 13, No. 3, 240-246.
۱۸. Gamez-Guadix, M. Antonio Carroble, J. Almendros, C. Fernandez-Alcaraz, C. (2010). Physical punishment and long term consequences: the moderating role of parental context. *Procedia Social and Behavioral Sciences* 5, 2093-2097.
۱۹. Horner, G. Garcia Quinones, S. Boudreaux, D. Bretl, D. Chapman, E. Chiocca, E. Donnell, C. Herendeen, P. Kahn, D. Loyke, J. Morris, K. Mulvaney, B. Perks, D. Terreros, A. VanGraafeiland, B. (2019). Building a Safe and Healthy America: Eliminating Corporal Punishment Via Positive Parenting. *Journal of Pediatric Health Care*, Volume 34, Issue 2, 136-144.
۲۰. Paunescu, C. Pițigoi, G. Gagea, G. Paunescu, M. (2014). Study on the Self-evaluation of Self-esteem among Young Adults. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 117, 705 – 709.